مقدمه ۱) طبایع و مصادیق

طبیعت

یک مقدمه بسیار مهم این است: اساسا حوزه وضع، حوزه طبایع است،

مصداق: اعداد برای احضار مفاهیم

اگر لفظ برای طبیعت است، پس مصداق خارجیش چیست؟ اساساً مصادیق خارجیه، مُعِدّ هستند برای این که مفهوم حاضر بشود، شما یک معنای عام در ذهن دارید، چه مخترعات شرعیه، مثل نماز چه مرکبات تکوینیه مثل بدن انسان که یک تصوری از اینها دارید؛ تا مصداق خارجی را میبینید، به یاد شما میافتد و تداعی میشود و آن معنایی که از او دارید، بر مصداق منطبق میشود. پس مصداق خارجی، معدّ است برای احضار طبیعی که در ذهن شما هست که بر یک مصداق منطبق بشود، زمانی که شما چشمتان به مصداق می افتد، به خاطر این که طبیعت در دل مصداق موجود است، به یاد طبیعی موضوع له می افتید. در ذهن شما طبیعی لفظ زید با طبیعی معنای انسان به هم گره خورده، چون طبیعت در ضمن زید خارجی موجود است و فردی از طبیعت است معد می شود که برای شما علقه بیاید.

حتی برای زید هم همین طور است. وقتی شما او را می بینید، او را در یک لحظه خاصی می بینید. اما شما علقه ای که پدر و مادر زید بین طبیعی لفظ زید با طبیعی شخصی زید برقرار کرده بودند به ذهنتان می آید. این یک مقدمه دیگر که اساسا رابطه فرد و معنا به اعداد است.

این مقدّمه خیلی ساده‌ای است که در عین حال یکی از مقدمات مهم عرض من است -اگر منافشه دارید من حرفی ندارم فعلاً فرض بگیرید- پس کار مصداق چیست؟ اعداد، احضار و اخطار طبیعی آن معنای منطبق بر اودر ذهن. حالا جلو برویم.

بازبینی #1
ایجاد شده 22 مارس 2025 14:07:03 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 مارس 2025 14:07:33 توسط ... .